هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

انهدام بزرگترین باند موادمخدر کشور با ۲۵۰ نفر شتر

بزرگترین باند سازمان یافته مواد مخدر با گردش مالی ۱۰ هزار میلیاردی در جنوب کشور منهدم شد. در جریان عملیات ضربتی سربازان گمنام امام زمان (عج)، حافظان امنیت کشور موفق شدند با رصد اطلاعاتی دقیق، بزرگترین باند سازمان یافته و بین المللی مواد مخدر در منطقه جنوب کشور را منهدم و ۱۳ نفر از سوداگران مرگ را دستگیر کنند. این باند به صورت مسلحانه و خانوادگی به سرکردگی چهار برادر اداره می شد و نسبت به انتقال سالانه حدود دویست تن مواد مخدر از طریق کشور پاکستان به استان سیستان و بلوچستان مبادرت می کرد. مواد مخدر را از طریق دریا به وسیله لنج و قایق های تندرو به سواحل هرمزگان منتقل کرده و سپس در سراسر کشور توزیع می کردند. تمامی مبادلات مالی حاصل از اقدامات مجرمانه این افراد در زمینه حمل و نگهداری مواد مخدر از طریق کارت های بانکی اعضای خانواده آنها انجام می شد. گردش مالی این باند مواد مخدر ۱۰ هزار میلیارد ریال بوده است که با هدف ضربه به بنیه مالی و اقتصادی قاچاقچیان مواد مخدر، ۴۹ واحد مسکونی و تجاری آنها پلمپ شد و ۲۵۰ نفر شتر از آنها توقیف شده است. همچنین ۱۵ کیلوگرم طلا از این سوداگران مرگ ضبط شده و مبلغ ۶ و نیم میلیارد تومان پول موجود در حساب های بانکی این افراد نیز توقیف شده است.

دختر جوان در گفت‌وگو با «شهروند» ۳۰ سال زندگی سخت و جدایی از خانواده‌اش را روایت کرد

خانم بازیگر در جست‌وجوی خواهری که فروخته شد

یک ماه گرفتگی روی کتف راست تنها نشانه‌ای است که این دختر از خواهر گمشده‌اش دارد

این خواهر از زمانی که به بیماری سرطان مبتلا شده است، به دنبال معصومه می گردد

شهروند| ۲۷ سال پیش بود که آنها را از هم جدا کردند. دو خواهر کوچکی که جز غم و بدبختی چیز دیگری در زندگی نصیبشان نشده بود. سنشان آن‌قدر کم بود که نتوانستند تصویری واضح از همدیگر در ذهنشان ثبت کنند. دو خواهر دو ساله و سه ساله که دست در دست هم سختی‌ها را تحمل می کردند، سرما می کشیدند، از گرگ و حیوانات در خیابان می‌ترسیدند، از تاریکی شب وحشت می کردند و با هم اشک می‌ریختند، در همان سن کم آنها را از هم جدا کردند. معصومه را فروختند. این دختربچه دو ساله را بردند تا خواهرش سالیان سال در جست‌وجوی او باشد. خواهری که حالا ۳۰ سال دارد و هنوز دست از پیداکردن خواهر کوچکش برنداشته‌است؛ به‌دنبال یک سرنخ از خواهرش است. حالا که خودش دارد با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می کند، نگران خواهرش است. می‌خواهد از سلامتی خواهرش باخبر شود. این دختر جوان سال‌هاست که به انتظار تنها عضوی از خانواده‌اش است که در بچگی همراه و غمخوار او بود. تنها نشانه‌ای که از خواهرش دارد یک ماه‌گرفتگی در کتف راستش است؛ ماه‌گرفتگی‌ای که درست همان شکل را خودش هم در بدنش دارد. این دختر جوان که خودش هم در همان سن و سال کم به خانواده دیگری سپرده شده بود، با وجود سختی‌هایی که در این سال‌ها کشید، باز هم به دنبال خواهرش گشت و حالا تنها فقط به یک نشانه از او هم راضی است. این دختر جوان که در سینما و تلویزیون و تئاتر هم بازی می کند و نمی‌خواهد نامش فاش شود، در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» ماجرای زندگی سختش و تلاش‌هایی که برای پیداکردن خواهرش کرده است را روایت کرد:

چه شد که شما و خواهرتان از هم جدا شدید؟

خیلی کوچک بودیم. من سه ساله و خواهرم معصومه دو ساله بود؛ یعنی در واقع ۲۷ سال پیش، آن زمان زندگی سختی داشتیم. در شهر مریانه در همدان زندگی می کردیم. البته خودم آن روزها را خیلی یادم نمی‌آید فقط صحنه‌هایی مبهم در ذهنم است. اما طبق حرف‌های اطرافیان و آن‌چه یادم است، روزگار سختی داشتیم تا این که پدرم، برادر و خواهر کوچکم را فروخت. می‌خواست مرا هم بفروشد که همسایه‌مان مرا نجات داد و سرپرستی مرا هم بر عهده گرفت. برادرم هم که آن زمان پنج ساله بود، نتوانست با خانواده جدید زندگی کند و آنها او را برگردانده بودند؛ فقط خواهرم بود که فروخته شد و برای همیشه رفت.

چرا پدرتان می‌خواست شما را بفروشد؟

پدرم قمارباز بود. زمانی که با مادرم ازدواج کرد، خودش دو فرزند پسر و دختر داشت. از همسر اولش جدا شده بود که با مادرم ازدواج کرد. بعد از آن من و خواهرم و برادرم به دنیا آمدیم اما مادرم از پدرم جدا شد. پدرم هم نمی‌توانست از ما نگهداری کند. برای پول قمارش می‌خواست ما را بفروشد که فقط موفق شد خواهرم را بفروشد.

مادرتان کجا رفت؟

مادرم همان زمان که از پدرم جدا شد، رفت. اول ما را با خودش برد، اما خانواده مادرم اجازه ندادند ما کنار آنها زندگی کنیم برای همین ما را پیش پدرم برگرداندند.

زندگی در کنار پدرتان در خاطرت است؟

نه خیلی؛ فقط یادم می‌آید که شب‌ها خواهر و برادر ناتنی‌ام من و معصومه را از خانه بیرون می کردند. ما جلوی در می‌ماندیم و گریه می کردیم. می‌ترسیدیم. آن صحنه‌ها را یادم می‌آید.

خواهرتان را به چه کسی و چطور فروختند؟

وقتی پدرم تصمیم گرفته بود ما را بفروشد. اول برادرم را به یک خانواده‌ای در کرمانشاه فروخت. بعد از آن از طریق یک واسطه خواهرم را به خانواده‌ای که می گفتند جنگ‌زده اهواز هستند، فروخت. آن خانواده هم معصومه را بردند و هیچ آدرسی از خودشان به جا نگذاشتند.

واسطه چه کسی بود؟

پدرم وقتی نمی‌توانست ما را نگه دارد، من و خواهر و برادرم را به بهزیستی برد تا ما را تحویل آن‌جا بدهد؛ اما در آن‌جا به پدرم گفتند که چون زنده و سالم است، نمی‌تواند بچه‌هایش را به آن‌جا بسپارد؛ در همان بهزیستی بود که با این مرد آشنا می‌شود. آن مرد هم وقتی می‌فهمد پدرم توان نگهداری ما را ندارد، چند وقت بعد خانواده‌ای را که بچه می‌خواستند به پدرم معرفی می کند. پدرم هم خواهرم را به آنها می‌فروشد. البته من همه اینها را از زبان پدرخوانده‌ام، همسایه‌ها و خود پدر و مادرم شنیدم.

یعنی پدرتان هیچ آدرسی از آن خانواده‌ای که خواهرتان را بردند، ندارد؟

می گوید ندارم. پدرم ادعا می کند که آن زمان آن خانواده به دلیل این که دیگر به سراغشان نروم، هیچ آدرسی از خودشان به پدرم و به آن واسطه در بهزیستی ندادند؛ بچه را برداشته‌اند و بدون هیچ نام و نشانی رفته‌اند.

شما خودتان با چه خانواده‌ای بزرگ شدید؟

همسایه ما در مریانه که یک زن بود، در جریان کامل زندگیمان بود. همیشه به من و خواهرم هم محبت می کرد تا این که وقتی فهمید پدرم برادر و خواهرم را فروخته و می‌خواهد مرا هم بفروشد، مرا از پدرم گرفت و به برادرش سپرد؛ یعنی همان پدرخوانده‌ام. آن زمان پدرخوانده‌ام و همسرش بچه‌دار نمی‌شدند. آنها خیلی خوشنام بودند و مرا هم دوست داشتند. من در کنار آنها بزرگ شدم.

هنوز هم در همدان زندگی می کنید؟

من در تهران زندگی می کنم؛ چون می‌خواستم کار کنم و روی پای خودم بایستم، خانواده‌ام همچنان در همدان هستند.

چه شد که به یاد خواهرتان افتادید و تصمیم گرفتید او را پیدا کنید؟ هفت ساله بودم که در مدرسه دخترعمه‌ناتنی‌ام به‌من گفت تو را به سرپرستی گرفتند. من چیزی یادم نمی‌آمد. وقتی دخترعمه‌ام این را گفت شوکه شدم، بیهوش شدم و بعد از آن پدرخوانده‌ام تمام ماجرا را برایم تعریف کرد. آن‌جا بود که صحنه‌هایی از خواهرم و شب‌هایی که وحشت می کردیم، یادم آمد. یک تصویر از او به یادم آمد که گرگ دنبالمان می کرد و من و خواهرم در تاریکی گریه و فرار می کردیم. البته این صحنه را تا قبل از آن هم در ذهنم داشتم ولی تصور می کردم که خواب یا رویا بوده است. از آن زمان به بعد همیشه به فکر خواهرم بودم تا این که چند سال بعد تصمیم گرفتم هر طور شده او را پیدا کنم.

در این مدت مادر و پدر اصلیتان را هم ملاقات می کردید؟

هنوز هم هرازگاهی پدرم را می‌بینم، به دیدار مادرم هم تا چند سال پیش می‌رفتم؛ اما رفتارهایی از او دیدم که دیگر تصمیم گرفتم به دیدنش نروم. آن زن اگر مادرم بود و دوستم داشت هیچ‌وقت مرا رها نمی کرد. پدرم را هم برای پیداکردن خواهرم ملاقات می کردم. هر بار پیش او می‌رفتم تا جزییاتی از فروش خواهرم بپرسم و شاید چیزی از حرف‌هایش بفهمم.

خواهرتان هیچ نشانه‌ای ندارد؟

هیچ سرنخی از او نیست. به شهرمان رفتم. به سراغ همسایه‌های قدیمی رفتم. حتی به ثبت احوال هم رفتم و آنها گفتند شناسنامه به اسم معصومه مرادی همچنان عکس‌دار نشده است و این نشان می‌دهد که شاید خواهرم با نام و هویت دیگری زندگی می کند. تنها نشانه‌ای که از خواهرم دارم این است که یک ماه‌گرفتگی در کتف راستش است؛ ماه‌گرفتگی که درست مثل همان را خودم هم در بدنم دارم. هیچ تصویر دیگری از او در ذهنم نیست و هیچ نشانه‌ای هم ندارم.

هیچ کس خبری یا سرنخی از خواهرتان ندارد؟

نه اصلا؛ فقط مادرم چند وقتی است که می گوید بیا می‌خواهم در مورد خواهرت با تو صحبت کنم. می گوید در یک بیمارستان در شهریار کار می کند؛ اما من احساس می کنم مادرم حرفش دروغ است و چون من به دیدارش نمی‌روم، می‌خواهد از این طریق مرا پیش خودش بکشاند. پدرم هم که می گوید هیچ نشانه‌ای یا آدرسی ندارد. حتی پدرخوانده‌ام چند بار به سراغ پدرم رفت و از خواست حقیقت را بگوید؛ ولی پدرم همان حرف‌هایی را به او زد که به من زده بود.

از زندگی در کنار خانواده‌ای که تو را به سرپرستی گرفتند بگویید؟

زندگی با آنها با این که سختی‌هایی هم داشت اما خوب بود؛ از زندگی در کنار پدرم بهتر بود. توانستم زندگی خوب را تجربه کنم و آنها را خیلی دوست دارم. پدرخوانده‌ام می گوید وقتی مرا گرفته بودند، از بس بی‌حال بودم مرا به بیمارستان بردند. از بس از گرسنگی آشغال خورده بودم، حالم بد بود.

برادرتان الان کجاست؟

او با پدرم زندگی کرد و الان هم ازدواج کرده است.

فکر می کنید بتوانید خواهرتان را پیدا کنید؟

من تنها یک آرزو در زندگی‌ام دارم و آن هم پیداکردن خواهرم است. چند سال پیش بود که فهمیدم سرطان خون دارم و کلی سختی کشیدم، درد کشیدم و الان حالم خوب شده است. فقط معده‌ام درگیر شده؛ از همان زمان بیماری‌ام بیشتر به فکر خواهرم افتادم. در بستگان اصلی ما دو نفر دیگر به دلیل بیماری سرطان فوت کردند. مرتب فکر می کردم نکند خواهرم هم بیمار باشد. دلم می‌خواهد پیدایش کنم و از سلامتی‌اش باخبر شوم. تنها عضوی از خانواده‌ام بود که در آن سختی کودکی کنارم بود.

شغل شما چیست؟

قبلا در یک شرکت کار می کردم اما از آن‌جا بیرون آمدم. در این مدت تئاتر و سینما و تلویزیون هم بازی کرده‌ام. بازیگری را دوست دارم و کار می کنم.

مادر سی‌وهشت ساله به اتهام قتل عام خانوادگی در ملایر دستگیر شد

مرگ نوزاد یک‌ساله انگیزه جنایت خانوادگی یک مادر

شهروند| عامل جنایت‌های عجیب ملایر دستگیر شد؛ یک زن سی‌وهشت ساله، کسی که به تنهایی یک زن باردار، یک مرد و یک زن را به قتل رسانده بود. او چند هفته قبل دست به این جنایت هولناک زده بود. پلیس این زن را در فرودگاه هاشمی‌نژاد مشهد شناسایی و دستگیر کرده است. ظاهرا او قصد خودکشی با قرص سیانور را داشته که ماموران به موقع مانع از این اقدام شده‌اند. این زن پس از دستگیری به قتل هر چهار نفر اعتراف کرده و انگیزه‌اش از این جنایت را انتقام از آدم‌هایی عنوان کرده است که به گفته او در مرگ فرزند خردسالش دست داشتند.

خبر دستگیری متهم جنایت‌های ملایر را فرمانده انتظامی ملایر اعلام کرد؛ جنایت‌هایی که پلیس از دوم مرداد ماه به دنبال ردی از عامل یا عاملان بود. هر چند پلیس هنوز از چگونگی شناسایی متهم آن هم در هزاران کیلومتر دورتر از محل جنایت یعنی در مشهد مقدس جزییاتی را فاش نکرده اما جزییاتی از هویت مقتولان و انگیزه قاتل از زبان فرمانده انتظامی ملایر منتشر شده است. به گفته سرهنگ سلگی یکی از ماموران پلیس ملایر که در مشهد حضور داشت، با انجام کارهای فنی و پلیسی با همکاری پلیس آگاهی مشهد، این زن را در حوالی فرودگاه بین‌المللی هاشمی‌نژاد شناسایی و دستگیر کردند. احتمال این که این زن قصد پرواز از مشهد به مقصد تهران را داشته، وجود دارد؛ اما پلیس می گوید که هیچ بلیتی با مشخصات این زن در لیست پروازهای به مقصد تهران نبوده است و همین موضوع احتمال جعل هویت و مدارک شناسایی از طرف این زن را تقویت کرده است. همچنین این زن همراه خود تعدادی قرص سیانور به قصد خودکشی داشته که پلیس مانع از این اقدام شده است.

سرهنگ سلگی درباره جزییات این پرونده و هویت قاتلان هم گفت: «۱۵ روز قبل از مرگ این چهار تن، پسر یک ساله متهم به علت بیماری جان باخته است و این موضوع و تأخیر در مداوای فرزند موجب عذاب وجدان او شده است.» درواقع متهم قصد انتقام‌گیری از افرادی را داشته که به گمان او در مرگ فرزندش دخیل بوده‌اند. این زن در اعترافاتش مدعی شده که همسر و زن برادرش در مرگ فرزندش دست داشتند؛ بنابراین همگی آنها به علت عذاب وجدان به فکر خودکشی می‌افتند. این زن همچنین مسمومیت دوستش در منزل خودش را اتفاقی دانسته‌است.

باوجود اعترافات این زن در خصوص این جنایت، پلیس هنوز به اعترافات این زن مشکوک است. به گفته سرهنگ سلگی تاکنون اعتراف‌ها و ادعاهای این زن ثابت نشده و احتمال دارد علاوه بر عذاب وجدان به خاطر مرگ فرزند، انگیزه مالی نیز در بروز این قتل تأثیر داشته که این فرضیه توسط پلیس در دست بررسی است.

استان

رئیس دانشگاه پیام نور کشور مطرح کرد:

کاهش تعداد دانشجو چالش بزرگ دانشگاه پیام نور

اصفهان -راعی| رئیس دانشگاه پیام نور کشور چالش های پیش روی این دانشگاه را کاهش تعداد دانشجویان آن و کاهش درآمدهای غیر شهریه ای اعلام کرد و گفت: ۱۰ مرکز پیام نور موافقت خود را برای جذب دانشجویان خارجی اعلام کرده اند که دانشگاه پیام نور اصفهان یکی از این مراکز است.

به گزارش خبرنگارما ازاصفهان، محمدرضا زمانی در نشست خبری در دانشگاه پیام نور واحد اصفهان در جمع خبرنگاران، اظهار کرد: دانشگاه پیام نور هم اکنون ۵۰۰ مرکز و واحد در سراسر کشور دارد و حدود ۴۳۰ هزار دانشجو در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه پیام نور مشغول به تحصیل هستند.

وی با اشاره به حضور حدود چهار هزار عضو هیأت علمی در دانشگاه پیام نور، افزود: ۱۰ هزار کارمند در دانشگاه پیام نور سراسر کشور مشغول به ارایه خدمات هستند و سیستم آموزشی این دانشگاه باز است و با شیوه آموزش ترکیبی، دروس ارایه می شود.

به گفته رئیس دانشگاه پیام نور کشور، منابع درسی دانشگاه پیام نور در تمام واحدها به صورت یکسان ارایه و امتحانات پایان ترم همزمان برگزار می شود. زمانی، از فعالیت بیش از ۴۰ نمایندگی این دانشگاه در سایر کشورها خبر داد و گفت: در حال حاضر ۶ هزار دانشجوی بین المللی در کشورهای مختلف در مراکز پیام نور مشغول به تحصیل هستند. رئیس دانشگاه پیام نور همچنین از توسعه آموزش های ترکیبی و الکترونیکی دانشگاه پیام نور در سایر کشورهای جهان خبر داد. وی با بیان اینکه تحصیل در دانشگاه پیام نور محتوامحور است، خاطرنشان کرد: تا سال گذشته تمرکز دانشگاه بر کتاب و کاغذ بود و اکنون تولید محتوای الکترونیکی نیز اضافه شده و با توجه به این پتانسیل، تمرکز دانشگاه بر اجرای آزمون های متمرکز و همزمان در کشور است. زمانی افزود: سالانه حدود ۳ میلیون نفر آزمون در کشور برگزار می شود که سال قبل ۲۳درصد این آزمون ها به صورت آنلاین برگزار شد. وی از افزایش آزمون های آنلاین در سراسر کشور خبر داد و گفت: در حال حاضر با مشکلاتی از قبیل تجهیز برخی مراکز برای برگزاری آزمون آنلاین مواجه هستیم که امیدواریم با برطرف کردن این موانع و حذف آزمون های کاغذی در دستیابی به دانشگاه سبز موفق شویم و این علاوه بر صرفه جویی در هزینه های جانبی و موجب بالا بردن دقت و سرعت در آزمون می شود. وی با تاکید بر اینکه بخشی از هزینه های دانشگاه از طریق اخذ شهریه تامین می شود، اظهار کرد: تأمین همین مقدار اندک هزینه تحصیل برای خانواده برخی دانشجویان این دانشگاه مشکل است.

رئیس دانشگاه پیام نور از انعقاد تفاهم نامه با بانک‌های قرض الحسنه برای تأمین وام شهریه دانشجویان خبر داد و گفت: دانشجویان پیام نور دیگر دغدغه تأمین شهریه نخواهند داشت.

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت تعاونی تأمین نیاز کامیونداران خود راننده قره ضیاالدین به شماره ثبت ۱۴۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۰۸۷۷۹۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- ترازنامه و سایر صورتهای مالی سال ۹۶ بتصویب رسید. ۲- وحید مخلص کدملی ۴۹۳۹۸۷۰۴۴۸ - علی عباس زاده کدملی۴۹۳۹۸۴۹۹۵۳ بسمت بازرسان اصلی و توحید امینلوئی کدملی ۴۹۳۹۳۸۷۴۳۷ و سجاد عالی کدملی ۴۹۳۹۸۷۵۱۰۵ بسمت بازرسان علی البدل بمدت یکسال مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری قره ضیاءالدین (۵۷۱۵۵۲)

مفقودی

کلیه اسناد (برگ سبز و سند و ...) پراید به شماره پلاک ۱۵ ایران- ۴۶۲ د ۶۶ و شماره موتور ۰۱۱۲۰۷۹۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۴۹۲۶۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

کلیه اسناد (برگ سبز و سند کمپانی و ...) پژو ۴۰۵ به شماره پلاک ۱۵ ایران- ۱۳۶ ه ۴۶ و شماره موتور ۱۲۴K۰۵۵۴۲۷۷ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۰EK۰۹۰۷۳۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

کلیه اسناد (برگ سبز و سند کمپانی و ...) دوو سی یلو به شماره پلاک ۱۰ ایران- ۴۲۸ ط ۵۳ و شماره موتور ۸۵۴۰۳۱ و شماره شاسی IR۸۰۱۶۵۰۳۷۴۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

کلیه اسناد (سند کمپانی و برگ سبز و سند) ام وی ام ۱۱۰ به شماره پلاک ۱۵ ایران- ۶۸۲ ص ۸۲ و شماره موتور ۸۰۰۸۶۴۷ و شماره شاسی IR۸۷۲۱۱۰۰۸۷۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

کارت ماشین و برگ سبز پراید صبا به شماره پلاک ۲۱ ایران- ۴۳۱ ب ۱۱ و شماره موتور ۰۰۶۰۱۴۸۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۱۵۳۷۵۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

مفقودی پروانه بهداشتی ساخت: پروانه بهداشتی ساخت محصول پودر مخلوط کاکائویی به شماره ۲۱/۱۶۲۸۴ و تاریخ ۹۳/۰۶/۱۲ از تاریخ ۹۸/۰۵/۰۱ مفقود و تاکنون پیدا نشده است. بدینوسیله اعلام می گردد پروانه مذکور فاقد هرگونه اعتبار و وجهه رسمی می باشد.